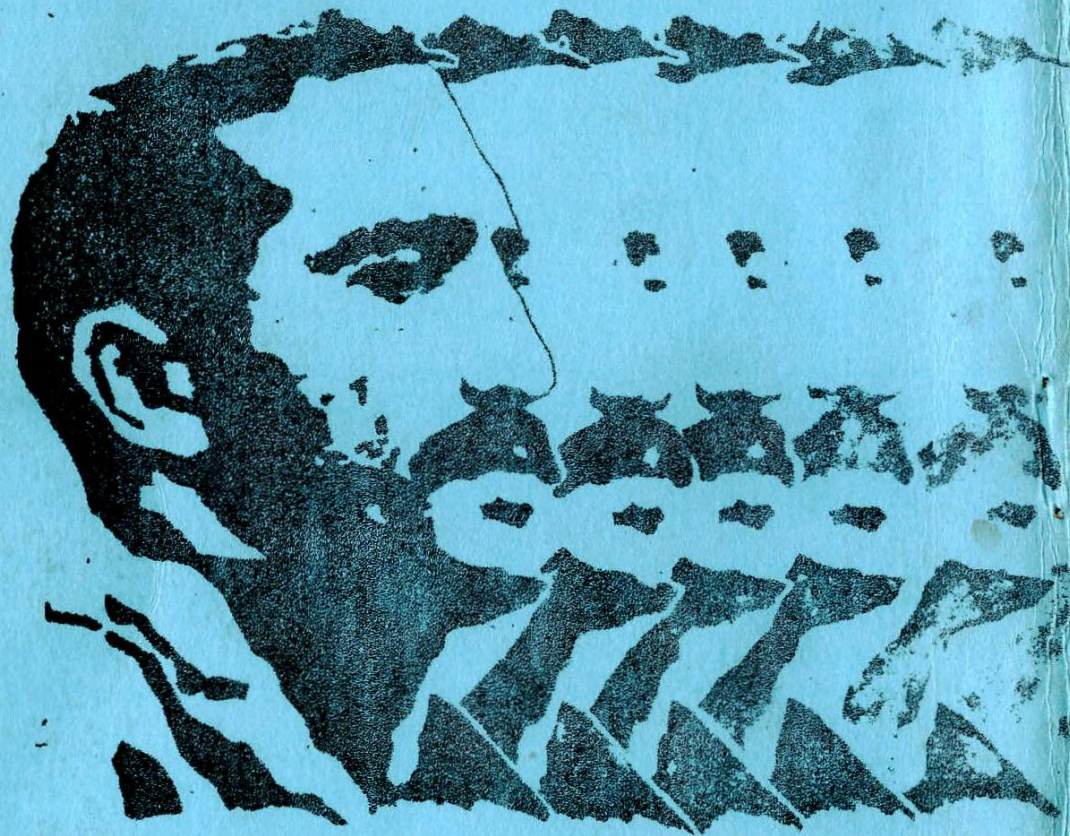


چرا شرکت در مجلس فرمایشی "خبرگان"

فریب تو دههاست؟



سخنی با هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در باره مجلس "خبرگان"

**چرا شرکت در مجلس فرمایشی "خبرگان"
فریب نوده‌هاست؟**

عرا شرکت در مجلس فرمایشی "خبرگان" فرستادند
توده هاست؟

زمانیکه هیئت حاکمه مجلس "خبرگان" رایحه
حای مجلس موسسان نشانند. تمام تیروهای انقلابی
چپ آرا همچون مجالس گذشته غیر حدی تلقی
کردند و توده ها نیز با بی تفاوتی به آن نظر
انداختند. اما اخیرا برخی از تیروهای چپ
حای پیشبرد مبارزه واقعی توده ها، با اجبار و
بحال قصد آن دارند تا مانند هیئت حاکمه نظر
توده ها را نظر این مجلس ارتجاعی جلب کنند.
همان مجلسی که وظیفه دارد پیش نویس کدایی
قانون اساسی را تصویب کند. برده اول نمایش
قانون اساسی با طرح مسئله رفرا دوم آغاز شد.
پیش نویس قانون اساسی در باریس تهیه شده بود.
ولی کرداسدگان نمایش کوشیدند تا ماهیت حرکت
خود را از توده ها مخفی کنند. اما آنقدر زیر-
کی سیاسی نداشتند تا نتوانند دم خروس رایسها
کنند

آنها عجولانه و قبل از آنکه قانون اساسی به تصویب برسد دست به رفراندوم زدند ، کوشش شده بود تا به این رفراندوم رنگی شرعی رده شود و دادن رای مثبت به جمهوری اسلامی جزء تکالیف دینی قلمداد گردد. از طرف دیگر توده ها را بر سردوراهی انتخاب شاه و سلطنت و جمهوری اسلامی قرار دادند تا بدین ترتیب مخالفین این جمهوری که محتوی آن رسماً اعلام نشده بود در اعداد طرف داران شاه قلمداد گردید.

سئول بشکل ایلهانه‌ای مطرح شده بود و از توده هایی که در زیر سرنیره خود شاه میگفتند که ما "شاه نمخواهیم" پرسیده شد آیا شاه برگردد؟ به همه اینها ارباب و تهید اصافه گشت ، رای گیری عملاً علنی بود ، و درهمه جانبز شایع کردند که برای کسانی که مهر انتخابات نداشته باشند در آینده تصیفات وجود خواهد داشت ، و بعد از همه اینها دست آخر صدوقها به شیوه گذشته یرشد .

رفتارندم صورت گرفت و جمافی شد برای تصویب
قانون اساسی مطلوب حاکمان رور. بدین ترتیب
رفتارندم به هدف خاص خود رسید.

گردانندگان این دولت وابسته که میروند تا
تسریع تحریکات وارده به بورژوازی وابسته را اثر -
میم کنند میدانستند که نیروی رودروی بوده ها
برار خواهند گرفت. آنها میدانستند که دریا
رود دشمنان بحون کارگران و دهقانان، و حلقهای
آزادبخواه منبهمان و بحون نیروهای واقعا ضد
امپریالیستی آغشته خواهد شد. به همین جهت در پی
تجویس فوایسی بودند که همه آنها را فوایسی
خلوه دهد.

عدم قبول مجلس موسسان برای تدوین قانون
اساسی، و از طرف دیگر بیان سبب ناطبی درباره
حکومتی طرح و تجویس قانون اساسی منبواست
صربه سحنی بر ادهان توده ها باشد، و موقعیت
حاکمیت کنونی را در نزد توده ها پایین تر
آورد. پس لازم بود تا قبل از آن حایای خود را

محکم سازند و رفتارند چنین وظیفه‌ای داشتند .
 آنان سرعت توانستند آرائی را جمع کنند که از
 حد انتظار فراتر میرفتا زیرا که از تعداد کسانی
 که حق رای داشتند ، افزونتر بود . حدود ۲۱
 میلیون رای را درهم پیچیدند و تبدیل به حمایتی
 کردند تا سرسر همین رای دهندگان بگویند . این
 آراء میبایست قبل از همه خود رای دهندگان را
 مرعوب سازد .

اکثریت کارگران خود بخشی از رای دهندگان
 به جمهوری اسلامی اند ، اما همین کارگران اکثر
 حداقل حقوق اساسی خود را مطالبه کنند بیجا
 همین جماع روبرویند . خلقها به همین ترتیب ، و
 دیگر فشرهای جامعه نیز همینطور .

به همه آنها میگویند: مائق از صد انقلابی
 نوکر احسنی ! درمقال ۲۱ میلیون رای ، درمقا
 بل میلیونها نفر که ما نماینده آسیم استنادکی
 میکنی؟ و بروی خود تمیآورید که رای دهندگان
 کسی جز کارگران ، دهقانان و خلقها نبوده اند .

این روزها سرسروی آوردن توده ها بیه انتخابات، سخن بسیار می رود. و به استناد آراء آنها در مراسم محبت از پشتیبانی توده ها از دولت میشود. ایورنویستیها سی عملی و تسلیم خود را در مقابل اعمال صدامقلای دولت کنونی بنا همین استدلال، یعنی حمایت توده ها از این دولت توجیه میکنند. ولی باید گفت مدام گسه بورژوازی وابسته برکشوری حکومت میکند، حداقل آرائی را که دولت در هر انتخابات بدست می آورد ۹۸٪ است. زیرا که آراء توده های مردم از طرف اس بورژوازی بشیوه خاص و در شرایطی خاص اخذ میشود. مگر همین چند ماه پیش بود که اسورسا - داب بیش از ۹۹٪ آراء مردم مصر را بدست آورد. بیش از ۴ سال از زمانی که شاه ۱۰۰٪ آراء مردم را بدست آورد نمی گذرد.

در هر حال، رایشی که مردم میهن مانا آگاهانه به امید دستیابی به استقلال و آزادی به آنها دادند اکنون تبدیل به شیخ بریده ای شده است

تا هرگونه فریاد آزادیخواهان و مدافعان میریالیستی را در بطنه ناپوش کند، و بدین ترتیب زمینه را برای آنچه که در نظر داشتید فراهم سازید.

این پرده اول نمایش زمینه را برای نمایش پرده دوم که همانا مراسم فائده خوایی بر سر مجلس موسسان بود آماده ساختنی دلیل نبود که در بدانه در گوشه کار برقرار اندم نوسید: **تغییر رژیم سیاسی** بقیه جمهوری اسلامی که قانون آن از تصویب ملت خواهد گذشت " حاکمان کنونی در بطنهای قبل از ضروری خود قول داده بودند که مجلس موسسان را تشکیل دهد تا قانون اساسی را تدوین کند اما همه اینها فقط قول و قرار بود و آنجا که بای میافید در میان باشد این قولها چه ارزشی دارد.

اینها چگونه میخواستند بدسترس کنند **یا ضرو** چند نماینده ملت به مجلس برود؟ حسن مجلسی دادگاهی میشد که حاکمیت کنونی باید در آن کفاره تمام وابستگی خود به سرمایه های امیریالیستی و تمام حیایانی را که در این مدت مرتکب شده است بپردازد. در این دادگاه پرونده

جنایاتی که در گنبد رخوز سپان و کردستان انجام شد میبود

بررسی می شد چنین مجلس دادگاهی میشد که —————

در آن حاکمیت کسوی از طرف نیروهای مترقی و صد
امیرالیهت افسانه شده و ماهیت طبقاتی آن در
برد بوده ها روشن میگردید. این دادگاه خواه با
خواه حلوه دیگری از مبارزه صد امیرالیهت کسوی خلق
ما میشد و چهره **حاکمان** روز را غریبان میساخت
چنین مجلسی مینوایست کسوی گردد با نیروهای
مترقی بتوانند راههای واقعی مبارزه ، اهداف
انقلاب و مسائل و مشکلات آنرا برای نوده ها تشریح
کنند. چنین مجلسی شرط تشکیل شدن در اولین
ماده قانون اساسی خود العناء کامل و قطعی تمام
جنبه های وابستگی به امیرالیهت را اعلام
میسود و بدین ترتیب علت و جوی حاکمیت کسوی را
بسی میگرد چنین مجلسی حق تعیین سرنوشت خلقها
را توسط خودشان به رسمیت میساخت .

اما دچار توهم نشوم . با طبقه بورژوازی
و ائمه بر سر کار است ، نارهبری انقلاب بدست
برولینا را بنا نهاده است چنین مجلسی سر تشکیل
نمیسود . و اجرای هیچ قانون دموکراتیک نصیب

ندارد.

آری حتی فکر جنبش مجلسی چون کابوسی
 وحشتناک خواب راحت را از حاکمان وقت گرفته بود.
 بهر قیمتی میبایست طوی تشکیل جنبش مجلسی را
 میگرفتند. پس نهادم آغاز شد و اولیس بورس آن
 مطبوعات را دربرگرفت. مطبوعات "ریادی حیرت
 میزدند" پس باید دهان آمان راست. چرا که
 مطبوعات مترقی میتوانست وظیفه آگاه سازی نموده
 ها را برعهده گیرد فشار به اشکال مختلف و با
 تمامی وسایل از فتوی گرفته تا حملات سخت رادیو
 و تلویزیون و حمله به دفاتر روزنامه ها و
 کیوسدهای فروش وارد آمد. و سرانجام میروزنامه
 کیهان برای نمونه "تصرف" شد تا لولوشی بود و
 دیگران حساب کار خود را دادند.

این حملات کرجه موفقیت آمیز نبود اما بهر
 حال موجب عقب نشینی تعداد بسیار معدودی از
 نشریات شد و پس از آن ناگهان طرح پس نویسی
 قانون اساسی مطرح شد. این طرح آن چنان ارتجاعی

بود که موجب اعتراض تمام نیروهای موقی و حتی رفرمیستها گردید. آنها انتظار این همه مخالفت را نداشتند بهمین جهت یکه خوردند و دولت اعلام کرد که این طرح، طرح پیش‌نویس قانون اساسی نیست و تنها به ابتکار عده‌ایی چنین طرحی انتشار یافته است و بدین ترتیب ظاهراً طرح را پس گرفتند اما هنگامیکه آنها از آسیاب افتاد بار دیگر همان طرح با همان شکل و شمایل از کلاه بیرون آمد.

همزمان با آن مطرح شد که تشکیل مجلس موسسان بصلاح ملک و ملت نیست و باید بجای پانصد و چند نماینده انتخاباتی که بحث‌ها را "طولانی" خواهند کرد ۷۴ نماینده انتصابی "بسرعت" قانون اساسی را تصویب کنند. تا بدین ترتیب راه توطئه‌های "امپریالیسم شرق و غرب" را سد نمایند. تو گویی که دشمنان طبق قانون عمل میکنند! و تصویب قانون اساسی آنها را از توطئه کردن باز میدارد و پس از آن هنگامیکه قاضیه تنک آمد گفتند که

اصلاً مجلس موسسان شرقی است، عربی است، پس
 "طاغوتی" است. حکایت شرمهز است، هر جا که
 لازم باشد میگویند این عربی است یا شرقی است
 پس بدرد نمیخورد. و سرعکس هر جا که نای مطالبه
 حقوقی حقه بوده، ها نه میان میاید میگویند کجای
 دنیا، چنین چیزی وجود دارد که شما میخواهید آن
 را در اینجا وجود بیاورید؟ جلادیه آنچه که به
 حاکمان روز نیست بر حسب شرقی و عربی نه آن میر-
 سد و درحالی که خواسته شده ها آنجا است
 که به نظر آنه در عرب دیده میشود و نه در شرق
 آسویت آنها طرفدار غرب میکردند و طرفدار شرق
 و همان جمله بالا را میگویند، در کجا (شرق و غرب)
 چنین چیزی معمول است که شما آنرا طلب میکنید؟
 رهبری انحصار طلب این بار آنجا نایسره
 قدرت را محدود کرد که حتی در فشر روحانیست
 نیز تکلیف عظمی بوجود آورد، یکی به پهلوانی
 عواداری از مجلس موسسان تصمیم به راه بیماری
 گرفت و دیگری راه پهلوان را شهیدید به قتل عام

نمود. این مسئله حداقل طور موقت قابل حل
 بود. با سازش روحانیت قدرت حاکمه برای تثبیت
 کردن فشاری که از طرف توده ها و نهادهای سازمان
 های موجود در جناح ابوزسیون بر او وارد میشد دست
 بیک عقب نشینی ظاهری زد و ظاهراً به انتخابات
 نرسید. اما آنکه عملاً در اساس طرح خودمختاری
 کنگره ۷۳ نمانده انتخاباتی به مجلس کوچکترین
 تعسری دهد. انتخابات را ظاهراً آزاد گذاشت در
 حالیکه ایادی خود را کسب نمود با پای سنگ و آجر
 و چماق و دشنه اجتماعات را برهم زد. انتخابات
 را "آزاد" گذاشت در حالیکه با لایحه مطبوعات
 کوشید تا مطبوعات را بر ساحایشان بنشاند. انتخابات
 را "آزاد" گذاشت در حالیکه رادیو تلویزیون
 را مأمور پخش اکاذیب، دروغ، تهمت و افترا
 کرده است و ایادی خود را به خیابانها روانه کرده
 است تا اعلامیه ها و پوستره های انتخاباتی
 "عبر خودی" را پاره کنند. اعلامیه ها آگاهانی

دهنده خود و آگاهی برای ارتجاع سم قنال است
 بهر حال این همه شعبده بازی صورت گرفت و در کشا-
 کش آن حاکمیت کنوسی هر چه بیشتر ماهیت خود را
 نشان داد. آنها طوری برآمده ریزی کردند که
 عملاً انتصاب جای انتخاب را بگیرد.

ایمان نمیتوانستند مسیری غیر از آنچه
 پیمودند طی کنند. دولتی که در مقابل حلق
 می ایستد و از ارتجاع، بورژوازی وابسته،
 فئودالهای گردن کلفت حمایت میکند و نمایندگی
 آنها را انجام میدهد نمیتواند چیزی فراتر از
 مجلس "خبرگان" را تحمل کند.

با وجود این حاکمیت ارتجاعی کنوسی تمام
 سازمانها و گروهها را دعوت نمود تا در انتخاب
 مجلس خبرگان شرکت کند. زیرا که در این امر
 مفاعی سرشار دارد. چرا که با دمکراتیک جلوه
 دادن انتخابات و در نتیجه فریب نودهها از نتیجه
 ناگزیر آن چماق دیگری برای سرکوب حلق و
 پشاهگانش میسازد. چماقی که کارایی آن بس

مراتب بیشتر از چماق رفراندم است .

ودرپی همین دعوت برای تمام سازمانها و گروه های جنبش کمونیستی این سؤال مطرح شد که آیا باید در انتخابات مجلس فرمایشی "خبرگان شرکت کرد یا نه ؟

ایوتونیست ها اذعان میکنند که احتمال انتخاب ما بسیار کم است و اینرا نیز قبـول دارند که امکان تبلیغات انتخاباتی بسیار محدود است ، حتی آنها میگویند اگر پیش نویس قانون اساسی تغییر کند ، تغییری در جهت ارتحاعی ترکردن آنست . اما با این همه شرکت در مجلس خبرگان را تبلیغ میکنند .

حقیقت آنستکه جنبش نوین کمونیستی ایران تاکنون تاکتیک مبارزه پارلمانی را تجربه نکرده است . پس باید برای اولین مرتبه بسه تجربه ای تازه دست یزنند . اما تنها با یک تحلیل دقیق و همه جانبه است که میتوان چنین امر مهمی را تجربه کرد . اما اکثر سازمانها

و گروه‌های جیش کمونیستی از حسین خلیلی
 سرپاژ زدند. آنها تنها به این اکتفا کردند
 که موضع خود را در مورد شرکت در انتخابات
 اعلام کنند. بی آنکه توضیح دهند که بر اساس
 چه تحلیلی چنین تصمیمی گرفته اند. آنها بنا
 بر آن معاهیم کلی همچون تنظیم رابطه با
 توده‌ها، همراهی با توده‌ها استفاده از تریبون
 برای افشاء گری و گرایش‌های عملی خود را
 پنهان میکنند. اینها نمیتوانند عناصر مبارز
 و عدیق را قانع کنند. تنها دنیاگرد روان
 بی برنسیب میتوانند به آنچه که رهبران
 ابورتونیست آنها، به آنها دیکته میکنند قانع
 شوند. برای کسانی که اعتقاد دارند شرط
 صداقت انقلابی در برخورد جدی با مسائل است.
 این دلایل نمیتوانند قانع کننده باشند.
 ابورتونیستها دم از شرکت لنین در دوم
 میزنند اما آنها عمدا فراموش میکنند تنها از
 تحریم لنین نیز سخن به میان آورند. سید

" سادسینان " چگونه تمایلات عملی خود را فرصت طلبانه بیان میکنند. آنها میگویند: " برای نیروهای انقلابی مدافع آرمانهای طبقه کارگر و خلق در این میان دو راه وجود دارد یکی عدم شرکت در فعالیتهای انتخاباتی و تحریم آن و اکتفا به افشاکری است. راه دیگر شرکت فعال و آگاهانه در انتخابات ایمن مجلس را برگزیدیم " (دوشنبه ۱ مرداد آیدگان) اسان برای آنکه شرکت خود را در انتخابات توجیه کنند طوری برخورد کرده اند که گویا تحریم انتخابات به معنای غیر فعال بودن و ناآگاهانه حرکت کردن است. بگذارید جواب اسان را از کتاب تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی بدهم ، " بلسویکها وقتی در باره تحریم سخن میراندند معمولاً منظورشان تحریم مؤثر بود نه امتناع ساده منفی از شرکت در انتخابات. بلسویکها تحریم مؤثر را بمنزله آن وسیله انقلابی مینگریستند که ملت

را از نیت تزار که میخواست وی را از راه انقلابی برده "مشروطه" تزاری در آورد برحذر نگاه میداشت و نیز این تحریم را بمنزله وسیله خنثی نمودن چنین نیتی و تدارک هجوم تازه بر ضد تراریسم میدانستند."

حتی اگر شرکت در مجلس خبرگان هم صحیح بود بیانات "ستاد تشینان" عنها نشان دهنده برخورد فرصت طلبانه آنها با مسئله است. تجربه روسیه سه گرایش اساسی درباره شرکت در پارلمان را نشان میدهد.

اگر این فرصت طلبانه که شرکت در پارلمان را همواره توصیه میکرد.

۲- گرایش آنارشستی که شرکت در پارلمان را در هر شرایطی اشتباه میدانست.

۳- و در این میان بلسویکها بگونه‌ای دیگر برخورد میکردند. اجازه دهید نحوه برخورد آن‌ها را از زبان خود لنین بازگو کنیم. "فـرق اساسی بین سوسیال دمکراسی انقلابی و اپورتونیستی

در مسئله تحریم به قرار زیر است. ابورتونیستها در تمام موارد به استعمال یک فرمول فالبی کلی که از دوران خاص سوسیالیسم آلمان اقتباس شده است، اکتفا مینمایند. آنها میگویند ما باید از مجلس های نمایندگی استفاده نماییم - دوم - مجلس نمایندگی است - پس تحریم آثارشیم است و لذا باید در دوما شرکت کرد. (لنین در شماره تحریم) اما برخورد انقلابی با مسئله تحریم یا شرکت چگونه است. ما میگوییم در اینجا تنها یک اصل وجود دارد و بس. اینکه شرکت یا تحریم سطح مبارزات توده ها را ارتقاء میدهد یا نه؟ و اعتقاد داریم جز این هیچ اصل از پیش ساخته ای نمیتواند رهنمای عمل قرار گیرد. و تنها باعث برخوردی راست یا آتارشیستی با مسئله خواهد شد. طبق ایده ما تصمیم درباره تحریم با شرکت در مجلس به برآورد مجموعه شرایط مشخص سیاسی جامعه وابسته است. باید توجه داشت که شرکت در انتخابات و مجلس یک تاکتیک است و تاکتیک خود

تحت الشعاع اشکال اصلی مبارزاتی فرار دارد بنا بر این قضاوت دربارہ یک تاکتیک نمیتوانند بدون برآورد مجموعه شرایط عینی و ذهنی صورت پذیرد. این نبردی سیاسی است و در هر نبرد سیاسی برآورد نیروهای خودی و دسمن و مجموعه شرایط حاکم بر صحنه نبرد لازم است. تنها کسانی که این شرایط را درست نسنجند و منطبق با آن تسدارین گبینند میتوانند از این نبرد پیروز بیرون آیند. مسئله آنطور نیست که اپورتونست‌ها مطرح میکنند. هم سرکت، هم تحریم، در شرایط مشخص میتواند برخوردی فعال و آگاهانه با مسئله باشد. تنها شرایط مشخص تعیین میکند که کدام یک از اینان خلعت ترویجی و تبلیغی موثرتری دارد و میتواند سازمان انقلابی را در آماده‌سازی و بسیج توده‌ها پاری کند. در شرایطی شرکت در انتخابات چنین وظیفه‌ای را انجام میدهد و در شرایطی تحریم آن، بهمین جهت، دادن هرگونه شعار کلی بدون آنکه به شرایط مشخص جامعه رجوع شود

حیز محملی است .

پیشگیم ایورنوئیست های سازمان جریکهای
 فدایی خلق ایران درباره دلایل شرکت خود چسه
 میگویند: "سراسر این شرکت فعال ما در مجلس
 حرکان دست یافتن به اهداف زیر است: ما بنا
 به وظیفه خود در فعال طبقه کارگر و طبق
 میخواهیم به توده های وسیع خلق نشان دهیم که
 قانون اساسی محصول پیام شکوهمند مردم
 میباشد حد مضمون و محتوایی داشته باشد. ما
 میخواهیم ضمن شرکت خود در انتخابات انتخابات
 کارگران و زحمتکشان شهر و روستای میهنمان را
 از قانون اساسی بیان کنیم. ما میخواهیم
 ما میخواهیم " (کار - دوشنبه اول
 مرداد). اما در تمامی این موارد یک مسئله اصلی
 مسکوت مانده است و آن اینکه چرا اجرای این
 وظایف از طریق شرکت در انتخابات میسر است و
 نه تحریم آن .

و نامگویند "به نظر ما در مقطع کنونی

(تاکید ازماست) برای نشان دادن واقعیت‌های فوق به توده‌ها که در مرحله کسب آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی هستند شرکت فعال و آگاه‌گرا به ما در استجابات کمک موثری خواهد بود. " (گزار دوشنبه (مرداد) در اینجا نیز از اساسی ترین بحث نیز شانه خالی میکنند. به نظر میرسد منظور آنها از مقطع کسبی همان مجموعه شرایط عیبی و ذهنی است. ولی چرا آنها کوششی در توضیح این مجموعه نمیکنند. ما میگوییم بیابید ابتدا این مقطع کسبی را تشریح کنیم. زیرا بدون دست زدن به چنین کاری دلایل شرکت شما نمیتواند اساسی داشته باشد.

اما اینها از اینکار سرباز زده‌اند حتی موضع خود را درباره ماهیت دولت آشکارا بیان نکردند. اگر دقت کنید آنها همواره به شمردن خصلت‌های دولت دست میزنند و درباره ماهیت آن سکوت اختیار میکنند. این مسئله اهمیت فراوان دارد زیرا در مبارزه سیاسی، ماهمواره تاکتیک

های خود را در قبال دولت وقت بر اساس مواضع
 طبقاتی دولت مورد نظر انتخاب میکنیم .
 با آنها میگویند : "صنایع اینان بایستند
 راه برای شرکت نمایندگان واقعی زحمتکشان و خلق
 در محامع تصمیم گیری میکوشند به دروغ اینطور
 تبلیغ کنند که این نیروها خود نمیخواهند در این
 محالس شرکت کنند و آنان را به منفی بافی متهم
 میکنید" (کار - دوشنبه ۱ مرداد) ما میگوییم اینان
 به خاطر منافع خود همواره تهمت خواهند زد .
 اینان تنها زمانی از تبلیغات زهر آگین و بی
 افترای خود دست بر خواهند داشت که شما به آنچه
 که با حق است تن دهید . اینان به خاطر منافع
 خود ابتدایی ترین اصول عقایدی را که به ظاهر
 بدان معنقدند ریز یا میگذارند . مگر نه آنست
 که از نظر اینان تهمت و دروغ گناه است ؟ اما
 بیاد بیاورید که چگونه هاشمی رفسنجانی کوشش
 کرد تا ترور آیت اله مطهری را به گردن نیروهای
 چپ بیاورد و چگونه از این دروغ لذت میبرد

حالی که خود در کردستان ، درگسند فتودالها را
 بلع میکنند و باعث کشتار خلق میگردند مفتون
 بت آنها در تبلیغات خویش به کردن نیروهای
 نقلی می اندازند ، خود با فایده موقت روانطبی
 کانیگ دارند ، اما هر فاحشه ای را سر دوش
 گران میگذارند ، عمال آنها خرمنهای گندم را
 تس میبرند و بعد از آن آنها به دروغ تبلیغ
 میکنند که "چپها خرمن ها را آتش زده اند" در حالی
 که در همین هیئت حاکمه کسانی هستند که وابستگی
 آن به امریکا مثل روز روشن است ، آنها در
 تبلیغات خود ، کمونیست ها را وابسته به امریکا
 لمداد میکنند ، آنها خود از افتای قرارداد
 ای امیرالیستی سر باز میزنند ، از مصادره
 رمایه های امیرالیستی احتیاج می ورزند و حتی
 رخدایی آنها روغن کاری میکنند ، اما در مقابل
 وده ها تمام ناسامانی ها را به نیروهای
 نقلی نسبت میدهند ، آری آنها همیشه تهمت
 سرزند و مانند ریگ دروغ میگویند ، زیرا مبارزه

طیفانی است و آنها برای حفظ منافع خود و تحکیم
 مواعع خویش از زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین
 اصول اعتقادی خویش و نه کارگرفتن تکلیف فرد
 سیوه ها همچون کشتار خلق و شکنجه کردن فرزندان
 راستین خلق ایایی نخواهند داشت .
 شما می دانید که شما بر شمرده اید هیچکدام
 نشان نمیدهد که چرا باید در مجلس خبرگان شرکت
 کرد . میدانید چرا ؟ زیرا فاقد یک تحلیل اساسی
 است . بلکه تصمیم شما به شرکت در مجلس خبرگان
 سیاسی از نمایل شما در کاهش فشار نیروها
 ارتجاعی بر شماست . و شما میخواهید با تسلیم
 بدن این فشار را کاهش دهید . محاسنه شما غلبه
 است . هرچه عرصه مبارزه حادتر باشد فشار نیرو
 های طیفانی بر یکدیگر بیشتر میشود و باید بدانید
 مسائل طیفانی سن پرولتاریا و متحدینش
 دسین از راه زد و بند های سیاسی و شعبده بازی ها
 حل نمیشود بلکه از طریق مبارزه حاد و بی اما
 حل میشود . باید بدانید هر سال زمان انقلابی

زمانی میتواند خود را از یورش ارتجاع مصون نگه دارد که در قلب توده ها جای بیشتری داشته باشد. قنهای زمانی میتواند خود را مصون نگه دارد که با حمایت مادی توده ها، توطئه‌های دشمن را عملا فلج سازد. و تنها با صداقت انقلابی درک یقینی مرحله مبارزه و شرایط مشخص و ارائه راه حل‌های متناسب میتوان توده ها را تسخیر کرد :

ما می‌گوییم باید انتخابات مجلس خیرگان از جانب نیروهای واقعا مترقی و ضد امیربالیستی تحریم میشد. چرا؟ ما برای اثبات این مدعا بر مجموعه‌ای از دلایل متکی هستیم هیچ یک از این دلایل به تنهایی نمیتواند مورد توجه قرار گیرد، بلکه مجموعه آنها بیانگر نظر ماست. اهم این دلایل از قرار زیرند :

۱- جنبش بعد از قیام در حال اعتلا است این جنبش هر روز در زمینه ها و اشکال جدیدتری اعتلای بیشتر می‌یابد و خود را نشان میدهد. بنا

براین مبارزات توده ها فروکش نکرده بلکه هر روز حوش و خبزش بیشتری دارد . حاکمیت کنونی بر ماهیت طبقاتی و وابستگی خود نه خواست و نه توان پاسخگویی به پیش یا افتاده ترسین مافع و مصالح توده ها را ندارد و ناگزیر است که با تمام نیرو به سرکوب خلق ما ، زحمتکشان و کارگران و نیروهای انقلابی پردازد . کوشش در سرکوب خلق های کرد ، ترکمن و عرب ، سرکوب دهقانان ، کشتار کارگران ، دستگیری ها و شکنجه انقلابیون ، بازسازی و احیاء بهاد های ارتش ضد خلقی و ساواک همه بروشنی ماهیت حاکمیت کنونی را افشاء میکنند . علیرغم تلاش مذبحخانه حاکمیت کنونی در سرکوب مبارزات خلق ، توده ها از پای ننشستند و این بار مبارزات ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی در شرایط حدیدی و اشکال و ابعاد نوینی جریان دارد .

۲- با توجه به مسائل فوق اکثریت توده ها در کارخانه ها و مزارع قابلیت موضع گیری سریع

در مقابل حاکمیت کنوسی را دارند. و در این میان آن نیرویی که بتواند در برابر حاکمیت فاطم نشر و فعال تر بایستد رشد خواهد کرد.

۳- حاکمیت کنوسی بنا بر ماهیت خود نتواند بسیج توده ها را در سازمان های خود بخشد و این رو قادر نیست نمایندگان واقعی کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری را در پیوستن ایدئولوژیکی خود روانه مجلس کند. در عین حال اختلافات موجود میان بخش های ضعیف و قوی هیئت حاکمه عامل دیگری است در تضعیف و عدم استحکام این حاکمیت.

۴- توده ها بغایت تحریکات و سواخ دهی که از مجلس فرمایشی و ردویندهای پارلمنتاری دارند اساسا نسبت به این گونه مجالس فرمایشی چندان تمایلی ندارند. حاکمیت کنوسی بنا بر ماهیتش به آنها نتوانست در این زمینه تحولی ایجاد کند بلکه برعکس با تعهد خود در تسکین مجلس موسسان و سرهم بندی مجلس حیرکان توده ها

را بشمار بیش در این زمینه بی تفاوت و بدبین کرد. این وضعیت آنچنان است که حتی برخی از طرفداران حاکمیت کنونی بطور مشروط در این انتخابات شرکت کرده اند.

۵- حاکمیت کنونی مجلس خیرگان را یکدست از فشر روحانیت و پیا روحانیون بی لباس پسر خواهد کرد و پپورژوازی و اسنه آنقدر در انجام شکردهایش ماهر است که نیاز به تفسیر ندارد. نحوه سرکزاری رفتارندم خود بهترین دلیل این مدعا است. بنا بر این آنچه در این مجلس تصویب گردد از همان ابتدا ماهینش برهمگان آشکار است. تحریم فعال مجلس خیرگان این اهمیت را دارد که نباید صد مردمی آن تماما به حساب حاکمیت کنونی واریز میشود.

۶- حاکمیت کنونی زمانی که ناچار شد از انتصاب نمایندگان چشم پیوشد، با تمام نیرو کو - شش کرد تا از لحاظ تبلیغاتی نیروهای مخالف را منزوی سازد. در چنین شرایطی جیش کمونیستی

فاقد توان و امکانات لازم برای درخشش این توطئه از طریق شرکت در مجلس خبرگان است مناسب ترین تاکتیک انقلابی تحریم فعال مجلس خبرگان و برای این اساس افشاء اعمال توطئه گزافه حاکمیت کنونی میباشد. اینان در این زمینه درست حساب کرده اند و کوشش میکنند این بازی را خوب پیش ببرند در حالی که ظاهراً همه دارای امکانات مساوی برای تبلیغند، در عمل مخالفین از هر گونه امکان تبلیغ نظریات خود در مصیغه فرار دارند. در حالیکه تمام دستگاههای تبلیغاتی دولتی علیه نیروهای مخالف بسیج شده اند، چنین وضعیت با برادر تنها میتواند از طریق تحریم فعال مجلس خبرگان تغییر یابد زیرا مسئله تحریم و علل آن در بطن خود رسیده است. برای آگاهی لازم در ذهن توده ها نه تنها در مورد مجلس خبرگان بلکه اساساً در مورد ماهیت حکام کنونی فراهم میسازد. زمانی که پیشگامان جنبش همراه با تحریم مجلس خبرگان تبلیغات بی گسر و

دامنه داری را علیه هیات حاکمه کنونی، سیاست های اقتصادی و اجتماعی آنان و شیوه سرکوب و اعمال ارتجاعی ایشان و نقض حاکمیت خلق سرکوب خویش خلقها و ... سامان دهد، میتواند نیروی بالفوه توده ها را تبدیل بر جریان سازنده در ادامه انقلاب ضد امپریالیستی و مدارنجاعی نماید

۷- سرهم بندی مجلس خسرکان در مقابل مجلس موسسان به این معناست که سلطه حاکم میخواهد به هر ترتیب که شده قدرت خود را "قانونیست" بخشد . و تا تصویب قانون اساسی در این مجلس به نام توده ها ، علیه توده ها وضعیت خود را مستحکم سازد . فقدان دموکراسی ، نوظئه های مستقیم حاکم ، و انتخاب سرکانه چنین شیوه انتخاباتی احتمال شرکت نمایندگان مخالف در این مجلس را نزدیک به صفر میکند . چنانچه احیاناً چند نفری به این مجلس راه یابند در این مسیر به سود تبلیغات ارجاع است و خواهد گفت دیدید ما امکانات شرکت را برای مخالفین تامین کردم

ما توده ها خود به آنها رای ندادند.

حالت است که نیروهای "مخالف" کسبه در انتخابات شرکت کرده اند خود از قبل ادعا می کنند که شکست آنان مانوچه به مجموعه سراسر است و مساعد حتمی است ولی با این وصف انکار میجویند شکست خود را به معرض نمایندگان بدارند. چنین تکستی به طور حتم تاثیر منفی و ناس آوری دردهن توده های مبارز خواهد گذاشت. و بی تفاوتی در برابر اوضاع موجود را باعث میشود.

۸- حاکمیت میکوشد تا ماهیت دیگناوری خود را که با لگدمال کردن مجلس موسسان آشکار میکند بود با به اصطلاح شرکت آراد در انتخابات مجلس خیرگان بیوشاند. از این روش شرکت مخالفین در این انتخابات و سپس شکست محنوم آنها تنها میتوانست در خدمت ظاهر سازی "دمکراتیک" حاکمیت کرد و بی قرار گیرد.

۹- به فرض انتخاب برخی نمایندگان مخالف، بخاطر تفاوت مجلس خیرگان حتی با پارلمان

سورزوایی و کوتاه بودن مدت و محدود بودن
 چارچوب آن مخالفین هیچگاه فرصت نخواهند یافت
 تا ماهیت ارتجاعی این مجلس و این قانون را از
نریبون آن افشاء نمایند .

۱۵- از همه مهمتر ما مبارزه اساسی
 نیروهای انقلابی را نه در چارچوب شگردهای
 هیات حاکمه کنونی بلکه در پیوند در گره‌گاهها
 ی اصلی و تعیین کننده مبارزه یعنی در میان
 مبارزه حلقها ، پرولتاریای شهر و روستا و
 زحمتکشان میدانیم . و چون چنین است تاکتیکها
 ی ما نمیتواند در خدمت استحکام و قدرنمندی
 حکام کنونی که نتیجه آن سرکوب جنس و منحرف
 کردن مبارزه ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و به
 کج راه کشا بدن حبش کارگری است ، قرار گیرد .
 ما بر پایه این مجموعه دلایل و تحلیلهاست
 که مجلس خیرگان را تحریم میکنیم . این مجلس
 فرمایشی پرودی ماهیت خود را هر چه بیشتر
 آشکار خواهد کرد . فراموش نکنیم که گشته‌اند

" بگذارید قانون اساسی تصویب شود. رئیس‌جمهور
 جمهور انتخاب کرده تا ما کار این احزاب را
 و گروهها را بکسر کنیم".

آری واستکان به سرمایه‌های غیرنظامی
 امید بسیار دارند تا با تصویب این قانون
 چماق سرکوب و تکفیر خود را قانونی سازند و با
 آن هر جریان انقلابی راه زخمیکشان را بکوبند
 و بکشد کار این احزاب و گروهها را بسازند
 چه بهتر که خود این احزاب و گروهها سر در
 مجلس ختم خود شرکت جویند؛ اما اینان سر
 اساس ماهیت خود یک چیز را به حساب نیاوردند
 همان چیزی که ایورتونیسنها نیز در محاسبات
 خود منظور نمیکنند. و آن نیروی لایزال بوده‌ها
 و آینده‌ناشناک پرولتاریاست. تاریخ گذرات
 نشان داده است و بار هم نشان خواهد داد که
 نه قوانین تحمیلی و نه عوامل احراسی آن هیچ
 گاه نتوانستند با قریب و سرکوب و حفران سید
 راه مبارزات تاریخ ساز زخمیکشان برسد. عوامل

بازدارنده جرخ تاریخ تنها گور خود را میکنند
و اینرا قبل از همه باید نیروهای آگاه
و انقلابی جامعه درک نمایند.

مرکز امپریالیسم و سگسهای
زنجیریش

مشرده تر باد پیوند ماررانی
سروهای انقلابی علیه امپریالیسم
و ارتجاع

هر چه مستحکم تر باد صفوف جنبش
نویین کمونیستی ایران

هر چه مستحکم تر باد صفوف چریکهای
فدایی خلق ایران

چریکهای فدایی خلق

ایران ۱۵ مرداد ۵۸



انتشارات : م-بید سرخی ۲۰ ریال

تکثیر از انتشارات پیمان